





وزارت آموزش و پرورش
سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان
مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۱ اهواز

دیرستان حضرت فرجس (س)

کتاب علوم و فنون ادبی ۳

درس یازدهم: وزن در شعر نیمایی

مدرس: اعظم ویسی



تاکنون آموخته ایم که هر بیت، دو پاره یا مصراع دارد که چونان کفه های ترازو با یکدیگر برابرند و به طور دقیق، نشانه های هجایی و وزن آن دو، همگونی و برابری دارند. نیما برای رهایی از تنگناهای عروضی مبتنی بر تساوی و نظم هجاهای هر مصراع، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد. به این صورت که قید تساوی هجاهای دو مصراع را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی آنکه از زیبایی موسیقایی وزن قدیم بکاهد.
برای نمونه در شعر زیر:

می تراود مهتاب
می درخشد شب تاب
نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند
خواب در چشم ترم می شکند.
«نیما»

چنان که می بینیم، شعر نیمایی وزن عروضی دارد؛ اما کوتاهی و بلندی مصراع ها و نیز تعداد هجاها برابر نیست.
به بیان دقیق تر، اگر یک مصراع با وزن واژه فاعلاتن سروده شد، بقیه مصراع ها نیز به همین شکل سروده خواهد شد؛



می تَ را وَد / مَه تاب	پایه های اوایی	می تراود مهتاب
فاعلاتن فع لن	وزن	
- U - / - -	پایه های اوایی	
می دِ رَخ شد / شَب تاب	پایه های اوایی	می درخشد شب تاب
فاعلاتن فع لن	وزن	
- U - / - -	پایه های اوایی	
نی ست یِک دَم / شِ کَ نَد خا / بِ چَش مِ کَ سْ لیک	پایه های اوایی	نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک
فاعلاتن فاعلاتن فعلن	وزن	
- U - / - -UU / - -UU / -UU /	پایه های اوایی	
غَمِ این خُف / تِ یِ چَند	پایه های اوایی	غم این خفته ی چند
فاعلاتن فعلن	وزن	
- U - / -UU /	پایه های اوایی	
خابِ دَر چَش / مِ تَ رَم می / شِ کَ نَد	پایه های اوایی	خواب در چشم ترم می شکند
فاعلاتن فاعلاتن فعلن	وزن	
- U - / - -UU / -UU /	پایه های اوایی	

اما ممکن است مصراع‌های یک یا چند هجا یا پایه بیشتر از مصراع دیگر داشته باشد؛ یعنی لازم نیست که تعداد وزن واژه‌های هر بخش آن یکسان باشد؛ مثلاً در یک مصراع می‌توان یک فاعلاتن آورد و در مصراع دیگر، دو یا سه یا چهار؛ یا حتی می‌توان نیمی از یک وزن واژه را در یک مصراع قرار داد.
به این نمونه بنگرید:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	تو را من چشم در راهم، شباهنگام
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعی	که می‌گیرند در شاخ تلاجن، سایه‌ها رنگ سیاهی
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعی	وز آن دل خستگانت راست، اندوهی فراهم
مفاعیلن مفاعیلن	تو را من چشم در راهم...

نیما یوشیج



بدان سان که می بینیم، در این گونه شعر، مصراع ها کوتاه و بلند هستند و غالباً تعداد نشانه های هجایی و وزن واژه های یک مصراع با مصراع دیگر برابر نیست.

البته کوتاهی و بلندی مصراعهای شعر، در برخی از قالبهای شعر کهن نیز پیشینه داشته سروده شده، برای نمونه، به شعر زیر که در قالب «مُستزاد» است توجه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد

دل برد و نهان شد

هر دم به لباسی دگر آن یار برآمد

گه پیر و جوان شد

(منسوب به مولوی)



■ نَفْسَمَ را پَرِ پرواز از توست

به دماوند تو سوگند، که گر بگشایند

بندم از بند، ببینند که:

آواز از توست

همه اجزایم با مهرِ تو آمیخته است

همه ذراتم با جان تو آمیخته باد!

خون پاکم که در آن عشق تو می جوشد و بس

تا تو آزاد بمانی،

به زمین ریخته باد !

(فریدون مشیری)



◀ نام گذاری وزن ها

آنچه تاکنون آموخته ایم، برای شناخت و درک وزن شعر فارسی و کاربرد آن کافی است اما در عروض سنتی برای هر یک از وزن ها اسمی نهاده اند، مثلاً وزن حاصل از تکرار ارکان زیر را چنین می نامند:

مفاعیلن: هزج

فاعلاتن: رمل

مستفعلن: رجز

فعولن: متقارب

اگرچه واحد وزن شعر فارسی مصراع است، برای نام گذاری وزن ها - به شیوه عروض عرب - بیت، مبنای محاسبه قرار گرفته است که در «عروض سنتی» آن را «بحر» نامیده اند. کوتاه ترین مصراع شعر سنتی فارسی دو رکن و طولانی ترین آن چهار رکن دارد که در مجموع، بیت های شعر فارسی چهار، شش یا هشت پایه خواهند داشت؛



مثلاً:

در وزن **فاعلاتن** که نام آن **رمل** است، اگر هر **مصراع** دارای **چهارفاعلاتن** باشد، مجموع پایه های دو **مصراع**، **هشت فاعلاتن** خواهد بود که نام آن را **بحر «رمل مَثْمَن»** می نامند
و اگر **تعداد پایه ها شش** تا باشد **«رمل مسدّس»** و اگر **تعداد پایه چهار** باشد **«مربع»** می گویند.

چنانچه **پایه آخر کامل باشد «سالم»** و اگر **یک هجا از رکن پایانی حذف** شود **«محدوف»** نامیده می شود؛
به طور مثال بیت زیر دارای **هشت رکن کامل فاعلاتن** است که **بحر آن «رمل مَثْمَن سالم»** است.

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد

هر که محرابش تو باشی، سر زخوت برنیارد
«سعدی»



□ بلبلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت
و اندر آن برگ و نوا خوش ناله های زار داشت (حافظ)

می بینید که بیت دارای **هشت رکن کامل فاعلاتن** است؛ اما **رکن پایانی کامل نیست** و یک هجا از آخر آن حذف شده است، بنابراین بحر این بیت «رمل مَثْمَن محذوف» است.

و بیت:

به سوزی ده کلامم را روایی

کز آن گرمی کند آتش گدایی (وحشی بافقی)

«هزج مسدّس محذوف» است.



به ندرت اتفاق می افتد که بیتی دارای چهار رکن باشد؛

مثلاً هر مصراع بیت زیر از دو «مستفعلن» درست شده است؛ بنابراین

«رجز مربع سالم» است:

□ دریای هستی دم به دم

در چرخ و تاب و پیچ و خم (گلچین گیلانی)

با توجه به توضیحی که در معرفی شعر نیمایی داشته ایم؛ تساوی رکن ها

در این شعر رعایت نمی شود؛ بنابراین تعداد ارکان در مصراع ها

برابر نیست.



بِاتِّشْكُر!

